





به احترام سمیلا امیرابراهیمی

رنگ روغن روی بوم

۱۳۰×۱۵۵ سانتی متر

۱۳۹۴

A Homage to Samila Amirebrahimi

Oil on canvas

155x130 cm

2015



رنگ روغن روی بوم
۱۷۰×۱۹۰ سانتی متر
۱۳۹۴
Oil on canvas
170x190 cm
2015



رنگ روغن روی بوم
۱۸۴×۱۷۵ سانتی متر
۱۳۹۵
Oil on canvas
184x175 cm
2016



مريم باكره
رنگ روغن روی بوم
۱۴۵×۲۰۰ سانتی متر
۱۳۹۳
Virgin Mary
Oil on canvas
145x200 cm
2014



رنگ روغن روی بوم
۱۱۰×۱۴۶ سانتی متر
۱۳۹۵
Oil on canvas
146x110 cm
2016

Oil on canvas
135x200 cm
2016

رنگ روغن روی بوم
۱۳۵×۲۰۰ سانتی متر
۱۳۹۴





به احترام ژرژ دلاتور
رنگ روغن روی بوم
۱۰۲×۱۰۲ سانتی متر
۱۳۹۳

A Homage to Georges de La Tour
Oil on canvas
102x102 cm
2014

دعوت به دخالت الاهی

مجید اخگر، شهریور ۱۳۹۵

کارهای جدید ایمان افسریان جدای از این که از منظر فتنی پخته‌تر از آثار قبلی او شده‌اند و نشان از سیربطئی سویی‌ی صنعتی و مهارتی کار و پرورده‌تر شدن زبان و بیان‌ش دارند، در کنار هم نیز بیش از نمایشگاه‌های قبلی‌اش قابلیت آن را دارند، یا این ضرورت را ایجاد می‌کنند، که به‌عنوان یک «مجموعه» دیده‌شوند ـ هرچند که (احتمالاً) چنین قصدی از جانب نقاش در پس آن‌ها وجود نداشته است. این آثار صرفاً مجموعه‌ی کارهایی نیستند که نقاش در طول یکی دو سال گذشته ـاز نمایشگاه قبلی تا نمایشگاه فعلی، و به خاطر کندبودن پروسه‌ی کاری‌اش ـکشیده‌است؛ این تصاویر در کنار هم می‌نشینند، یکدیگر را ارتقا می‌دهند، و چیز بیشتری برای عرضه پیدا می‌کنند. این کیفیت در نگاه نخست می‌تواند نتیجه‌ی برخی ویژگی‌های موضوعی مشترک این هفت تصویر باشد: همه‌ی تصاویر صحنه‌ای شبانه را تصویر می‌کنند و چهارتای آن‌ها ـ شاید برای اولین بار صحنه‌ای خارجی را نشان می‌دهند: ایمان افسریان در آثار جدیدش محتاطانه یا به بیرون گذاشته است؛ بدون جلب توجه از استودیویش بیرون آمده است، و برای این کار خلوت شبانه و معابر کم تردد را برگزیده است تا بتواند اقتصاد تصویری آثار گذشته را در این تصاویر حفظ کندـ با نقطه دیدی ساکن و تمام رخ، بدون حضور انسان و دیگر جنبنده‌ها، بدون تحرک و تغیر، به همراه عناصری معمارانه و جزآن که چارچوب تصویر را قاب می‌گیرند و موکد می‌کنند.

اما به نظر من مسئله در وحدت موضوعی آثار خلاصه نمی‌شود. در واقع مایلم در این فرصت کوتاه نوعی پیشنهاد یا امکان را برای نگاه‌کردن به این هفت تصویر طرح کنم. می‌توان گفت این تصاویر لحظه‌های مختلف، یا در واقع نماها یا مکان‌هایی مختلف از لحظه‌ای واحد، را نشان می‌دهند؛ نوعی لحظه‌ی مکث یا وقفه، که به واسطه‌ی شب و خفتن نیروهای شتاب و جنبش روزانه ممکن شده‌است. این‌ها مثل زنجیره‌ی نماهای ساکن و خاموش پیش از وقوع یک رخداد، یا نمونه‌ای از تمهیدی سینمایی هستند که در بسیاری از فیلم‌های روایی برای انتقال از مکانی به مکان دیگر، از زمانی به زمان دیگر، یا حتی تغییر زاویه‌ی دوربین به کار می‌رود؛ یعنی نشان‌دادن چند نمای «میانی» یا اینسرت که عموماً در زنجیره‌ی روایی فیلم مستحیل می‌شوند و کارکرد مشخص و محدودی دارند. اما در این جا این تصاویر گذرا و قراردادی به محل مکث تبدیل شده و رخدادهای اصلی پیش و پس از خود را کنار زده‌اند ـ یا در حقیقت در آستانه ی چیزی ایستاده‌اند.

این‌ها تصاویری هم زمان از فضاهای داخلی و خارجی‌اند، که شاید صدای هام خاموش شهر روی آن‌ها به گوش می‌رسد: از درون، از پشت یک پنجره، نقطه دید ناظری که با دلکشوره‌ی پنهان ـ در عین سکوت و آرامش همه چیز ـ به پشت شیشه‌ها می‌نگرد، به آن چه هست و جای خالی آن چه بوده است (روز و آن چه با خود داشت)؛ نمایی بیرونی از ساختمانی مسکونی یا کاری در خیابانی فرعی؛ کوچه و تیر چراغ برق و شاخه‌هایی که به آن می‌سایند؛ قطعه (fragment) یا «جزء»یی (از یک دیوار، از چراغ، یا چیزی دیگر) که گوشه‌ای به حال خود رها شده‌است.

این تصاویر مثل نوعی نقطه‌ی کور، مثل لکه‌ای بر بینایی، فعالیت چشم‌انداز «بیش فعال» واقعیت بزرگ‌تر را دستخوش اختلال می‌کنند، با نگاه خیره ی خود آن را شرم‌زده می‌کنند. این تصاویر خلوت و خاموش کل حضور پرچار و جنجال یک واقعیت تاریخی خاص را احضار می‌کنند، آن را به شیوه‌ی خود ملزم به پاسخ‌گویی می‌کنند.

اگر بعضی از کارهای گذشته‌ی افسریان بر لبه‌ی حس دلتنگی یا نوستالژی‌ای ساده می‌ایستادند، در این جا کمتر چنین خطری را حس می‌کنیم. این تصاویر بیش از آن که ثبت لحظه‌ای از تجربه‌ی شخصی زیبایی (در گذشته) باشند نوعی پرسش عمومی طرح می‌کنند که، همچون هر پرسش عمومی حقیقی، از جایگاهی شخصی برآمده است.

اما پس از این مکث و وقفه چه چیزی می‌آید؟ این تصاویر انتظار چه چیزی را می‌کشند یا فضا را برای چه باز می‌کنند؟ این مجموعه را می‌توان، با نوعی قمار نوشتاری، نوعی پرسش مذهبی در مقابل واقعیتی تاریخی قلمداد کرد. مکث، وقفه و خلاء «پیش ـ از ـ رخداد»ی که این تصاویر در جریان پیوسته‌ی واقعیت ایجاد کرده‌اند طیننی الاهیاتی دارد. یکی از نشانه‌هایی که در این راستا عمل می‌کند حضور برجسته‌ی نور («مصنوعی»؟ «طبیعی»؟) در تصاویر است؛ به عنوان عنصری غیرمادی که از لابلا و پشت و درون چیزها، اجسام، و ساختمان‌ها بیرون می‌ریزد و گاهی واقعیت را به پوسته‌ای نازک، به حجمی میان تهی، بدل می‌کند (مانند تصویر ساختمان کهنه بر پس‌زمینه‌ی آسمان شبانه).

اما ورای این کیفیت کلی، دو کار از این مجموعه مشخصاً نوعی خطاب مذهبی پیدا می‌کنند، که می‌توان دیگر کارها را از این نظر مقدمه یا «زمینه»ی این خطاب یا نشانی از پاسخ به این پرسش‌گری سمج و خیره سرانه دانست. منظور من به طور مشخص «مریم باکره» و آخرین کار مجموعه (از نظر زمانی)، یعنی کاری است که یک چراغ سه شاخه‌ی تنها را بر پس زمینه‌ی دیوار و کف سنگی مکانی تعریف نشده نشان می‌دهد (این دو تصویر را حتی می‌توانم دو بخش از یک مذبح محراب ببینم که بخش‌های دیگری خواهد داشت …). «مریم باکره» که یکی از بهترین کارهای این مجموعه است، در عین این که عنصر چندانی ندارد کار بزرگی است: چیزی که در این کار شکل گرفته، به نوعی عرصه یا «پهنه» نیاز داشته است؛ به خلائی که در فضای درونی آن چیزی شکل بگیرد، جوانه بزند، که در هیئت خرد میخی در میانه ی کادر نمادین شده است (این تصویر را می‌توان نوعی عکس رادیوگرافی از ناحیه‌ی شکم و اندرون مریم عذرا به شمار آورد!). این تصویر نوعی صحنه‌ی «بشارت» معاصر است که بازیگران اصلی آن نور و «فریم»‌اند: قابی انسانی (متناهی) که چیزی از ورای آن (نامتناهی) به درون تابیده است ـ نوری یا سرچشمه‌ای نیمه پنهان که قابِ تاقچه امکان ورود آن را، بدون آن که چشم را بزند یا به ما آسیبی برساند، فراهم کرده است. نوری که حکایت از امکانی دیگرگونه و در عین حال درونی موقعیت دارد.

INVITATION TO A DIVINE INTERFERENCE

MAJID AKHGAR, SEPTEMBER 2016

Regardless of being technically more sophisticated than his older works - which is an indication of a deliberate involvement in his practical and painterly practice as well as the development of his language and expression - Iman Afsarian's recent body of work could potentially or essentially be considered more as a "series" even though this might have not been what he intended.

This could be because of a theme all seven images share at first glance: they are all images of night and four of them, maybe for the first time, portray an exterior scene. Iman Afsarian has vigilantly stepped outside in this series; he has humbly left his studio and selected, accordingly, a calm nocturnal practice and empty passages to be able to preserve the image economy of his former works. This has been realized through a still and full-face perspective lacking the presence of humans or any other moving creatures, along with some architectural elements and other substances that frame the image and lay an emphasis on it.

In my opinion, however, the abovementioned characteristic is not limited to the unity of theme. In fact, I would like to suggest a prospect or proposition in viewing these seven images in this little chance that I have. It could be said that these images portray various moments, or are in fact different places or shots from the same moment: the moment of standstill or interval that has occurred since daily activities and hurries are faded. These are like chains of silent and still shots [in a movie] that are shown before an event takes place, or examples of a cinematic visual effect that are used in many feature films to show moving from one place to another, from one period of time to another or even for changing the camera angle. They are like inserts with limited and specific function that are dissolved in the narrative sequence of a film. Here, however, these conventional and transitory images have turned to the point of halt, pushing away major events that happen before or after them - or they actually stand on the edge of something.

These are concurrent images of indoor and outdoor with silent urban voice-overs: the silent sounds that are heard from inside, from behind a window, from the viewpoint of an observer who is looking outside the windows with a hidden anxiety - despite the dominant tranquility and silence - to what is there and what used to be there (day and all that it carries): an exterior view of a residential building or an errand on a side road; an alley and the lamppost against which branches of a tree rub, a fragment or part of a wall, a lamp or any other thing that is left unattended.

Like a blind spot or a blurred vision, these images distort the performance of the "hyperactive" landscape of the bigger reality and the artist embarrasses that reality with his gaze. These still and silent images summon the entire controversial presence of a particular historical reality and force them to be accountable. If some of the older works of Afsarian were on the verge of being simplistically nostalgic, the risk of being so is less in his recent works. More than being a moment of personal experience of beauty (in the past), these images raise a general question that is rooted in a personal standpoint, like any other real question. But what follows this pause and interval? What do these images expect or what space do they open? With a kind of written gambling, the series could be considered as a kind of religious question versus a historical reality. The "pre-event" pause, halt and void of these images in the constant flow of reality have a divine resonance. One of its indications is the significant presence of light ("artificial"? "natural"?) in the images. It spreads out as a non-material element from within and behind and inside things, objects and buildings and sometimes turns reality into a thin layer, an empty three-dimensional object (like the image of an old building with a background of night sky.)

Beyond this general quality, however, particularly two works from the series find a religious tone. From this perspective, the other works could be considered as an introduction to or an indication of this obstinate and persistent inquisition. I am directly referring to "Virgin Mary" and his latest work: the secluded tri-armed lamppost in front of a wall with the stone floor of an unidentified place (I can even see these two images as two altars of a Mihrab.) One of the best pieces of the series, "Virgin Mary", is a big work despite its minimal nature: what has taken shape in this work required a kind of arena or a "ground"; it required a void in which something could form, could sprout, which is materialized as a nail in the middle of the composition (this image could be taken as the radiography image of Virgin Mary's abdomen!). This image is a kind of contemporary "annunciation" with light and "frame" as its key players: a humanistic (finite) composition through which (infinite) something spun - a light with a semi-hidden source whose presence has been made possible, without hurting our eyes, by the top sill. This is a light that puts forward an alternative yet immanent potential.



Education

2000 MA, Illustration, University of Art, Tehran, Iran
1996 BA, Painting, University of Art, Tehran, Iran

Solo Exhibitions

2016 *Night, It Is*, Assar Art Gallery, Tehran, Iran
2013 *On the Odds and Ends of No Significance*, Assar Art Gallery, Tehran, Iran
2010 Assar Art Gallery, Tehran, Iran
2008 Aria Gallery, Tehran, Iran
2006 Aria Gallery, Tehran, Iran
2004 Haft Samar Art Gallery, Tehran, Iran
1995 Haft Samar Art Gallery, Tehran, Iran
1994 Haft Samar Art Gallery, Tehran, Iran

Selected Group Exhibitions

2016 Assar Artists' Annual Group Exhibition, Assar Art Gallery, Tehran, Iran
2015 *Allusions*, Emkan Gallery, Tehran, Iran
2012 Assar Artists' Annual Group Exhibition, Assar Art Gallery, Tehran, Iran

2011 Assar Artists' Annual Group Exhibition, Assar Art Gallery, Tehran, Iran
2010 *The Promise of Loss: A Contemporary Index of Iran*, Arario Gallery, New York, USA
2009 *Routes II*, Waterhouse and Dodd Gallery, London, UK
2009 *The Promise of Loss*, Ernst Hilger Gallery, Vienna, Austria
2009 *Asian Art Biennial*, National Taiwan Museum of Fine Arts, Taipei, Taiwan
2009 *Tehran-Frankfurt/Frankfurt-Tehran*, Mah-e Mehr Art Gallery, Tehran, Iran
2008 *Tehran-Frankfurt/Frankfurt-Tehran*, Mousonturm Cultural Center, Frankfurt, Germany
2007 *Modernism in Iranian Art*, Art College, Ferdowsi University, Mashhad, Iran
2005 Moscow Artist's House, Moscow, Russia
2004 6th Painting Biennial, Tehran Museum of Contemporary Art, Tehran, Iran
2002 5h Painting Biennial, Tehran Museum of Contemporary Art, Tehran, Iran
2000 4th Painting Biennial, Tehran Museum of Contemporary Art, Tehran, Iran
1998 3rd Painting Biennial, Tehran Museum of Contemporary Art, Tehran, Iran

Art Fairs

2015 ArtInternational Istanbul, Istanbul, Turkey
2011 Contemporary Istanbul's side exhibit in collaboration with Assar Art Gallery, Istanbul, Turkey
2007 London Art, Iranian Heritage Foundation, London, United Kingdom

Other Activities/Publications

Instructor at the University of Art, Tehran, Iran
 Editor and Director at Herfeh Honarmand [Profession Artis] Quarterly Author, Herfeh Honarmand [Profession Artis] Quarterly Author, Tandis Art Magazine
 Given lecture in three conferences, University of Art, Tehran, Iran
2016 Editor and essayist of the book *In Search of New Times*
2012 Lecturer and essayist at the Second Conference of Art Sociology, Tehran, Iran
2007 *Modernism in Iranian Art*, lecture, Ferdowsi University, Mashhad, Iran
2007 *Treibsand*, DVD Magazine

نمایشگاه‌های بین‌المللی (آرت‌فر)

۱۳۹۴ آرت‌اینترنشنال استانبول، استانبول، ترکیه
۱۳۹۰ نمایش جانبی کانتیمپورری استانبول با همکاری گالری اثر، استانبول، ترکیه
۱۳۸۶ آرت لندن، بنیاد میراث ایران، لندن، انگلستان

سایر فعالیت‌ها / آثار منتشرشده

استاد دانشگاه هنر، تهران، ایران
 دبیر و مدیر مسئول فصلنامه‌ی حرفه هنرمند، تهران، ایران
 نویسنده‌ی فصلنامه‌ی حرفه هنرمند، تهران، ایران
 نویسنده‌ی مجله‌ی هنری تندیس، تهران، ایران
 سخنرانی در سه کنفرانس، دانشگاه هنر، تهران، ایران
۱۳۹۵ گردآورنده و یکی از نویسندگان کتاب در جستجوی زمان نو
۱۳۹۱ ارائه مقاله و سخنرانی در دومین همایش جامعه‌شناسی هنر، تهران، ایران
۱۳۸۶ مدرنیسم در هنر ایرانی، سخنرانی، دانشکده فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۱۳۸۶ مجله DVD ترایسند

۱۳۹۱ نمایشگاه گروهی سالیانه هنرمندان گالری اثر، گالری اثر، تهران، ایران
۱۳۹۰ نمایشگاه گروهی سالیانه هنرمندان گالری اثر، گالری اثر، تهران، ایران

۱۳۸۹ گالری آرابیو، نیویورک، ایالات متحده آمریکا
۱۳۸۸ گالری واترهاوس آند داد، لندن، انگلستان
۱۳۸۸ گالری ارنست هیلگر، وین، اتریش
۱۳۸۸ دوسالانه‌ی هنرآسیا، موزه بین‌المللی هنرهای زیبا تایوان، تایپه، تایوان
۱۳۸۸ تهران-فرانکفورت / فرانکفورت-تهران، گالری ماه مهر، تهران، ایران

۱۳۸۷ تهران-فرانکفورت / فرانکفورت-تهران، مرکز فرهنگی موزانتورم، فرانکفورت، آلمان
۱۳۸۶ مدرنیسم در هنر ایرانی، دانشکده هنر، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

۱۳۸۴ خانه هنرمندان مسکو، مسکو، روسیه
۱۳۸۳ ششمین دوسالانه‌ی نقاشی، موزه هنرهای معاصر تهران، تهران، ایران
۱۳۸۱ پنجمین دوسالانه‌ی نقاشی، موزه هنرهای معاصر تهران، تهران، ایران
۱۳۷۹ چهارمین دوسالانه‌ی نقاشی، موزه هنرهای معاصر تهران، تهران، ایران
۱۳۷۷ سومین دوسالانه‌ی نقاشی، موزه هنرهای معاصر تهران، تهران، ایران

تحصیلات

۱۳۷۹ کارشناسی ارشد تصویرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران
۱۳۷۵ کارشناسی نقاشی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

نمایشگاه‌های انفرادی

۱۳۹۵ هست شب، گالری اثر، تهران، ایران
۱۳۹۲ بر بساطی که بساطی نیست، گالری اثر، تهران، ایران
۱۳۸۹ گالری اثر، تهران، ایران
۱۳۸۷ گالری آریا، تهران، ایران
۱۳۸۵ گالری آریا، تهران، ایران
۱۳۸۳ گالری هفت ثمر، تهران، ایران
۱۳۷۴ گالری هفت ثمر، تهران، ایران
۱۳۷۳ گالری هفت ثمر، تهران، ایران

برگزیده نمایشگاه‌های گروهی

۱۳۹۴ نمایشگاه گروهی سالیانه هنرمندان گالری اثر، گالری اثر، تهران، ایران
۱۳۹۴ اشارات، گالری امکان، تهران، ایران

IMAN AFSARIAN

"NIGHT, IT IS"
«هست شب»

WWW.ASSARARTGALLERY.COM

All rights reserved. No part of this publication may be copied or transmitted in any form or by any means without the prior written permission of Assar Art Gallery. September 2016

Art Director & Graphic Designer: **Iman Safaei**
Photographer: **Amirhossein Biparva, Hamid Eskandari**
Designed by **009821STUDIO.COM**



16 BARFOROUSHAN ALLEY,
IRANSHAHR ST., KARIMKHAN ZAND ST., 1583666115 TEHRAN-IRAN.
PHONE: +98(21)88326689 FAX: +98(21)88343947
INFO@ASSARARTGALLERY.COM

تهران، کریمخان زند، خیابان ایرانشهر،
کوی برفروشان، شماره ۱۶
کد پستی ۱۵۸۳۶۶۱۱۵
تلفن: ۸۸۳۲۶۶۸۹ فکس: ۸۸۳۴۳۹۴۷

